

بررسی آموزش و پرورش فراگیر و معایب و مزایا

مهران شیخمرادی^۱، جواد جهان^۲، افشین فتحی^۳، لقمان عزیزی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدرجایی، کرمانشاه، ایران.

^۲ دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی، کرمانشاه، ایران.

^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدرجایی، کرمانشاه، ایران.

^۴ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدرجایی، کرمانشاه، ایران.

نام نویسنده مسئول:

مهران شیخمرادی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آموزش و پرورش فراگیر و معایب و مزایای آن است. روش پژوهش مروری است. آموزش فراگیر یعنی برخورداری همه جانبه همه کودکان از امکانات جامعه و تسهیل شرایط و امکانات به منظور بهره مندی دانش آموزان با نیازهای ویژه از آموزش عمومی در کنار سایر دانش آموزان. در این رویکرد اعتقاد براین است با فراهم شدن امکانات لازم همه دانش آموزان می توانند یاد بگیرند. لذا توجه به آموزش فراگیر و برنامه ریزی برای اجرای آن ضرورتی انکار ناپذیر است و بدیهی است که انجام این امر باید هرچه زودتر آغاز شود. از این رو در دهه های اخیر در حوضه آموزش و پرورش استثنایی یا ویژه، رویدادهای زیادی رخ داده، پژوهش های فراوانی انجام شده، روش ها و راهبردهای گوناگونی ارائه شده و افق های روشنی آشکار شده است؛ که در این مقاله به بیان این راهبردها و معایب و مزایای آنها می پرداخته شده است. و ما در آخر باید دانش آموزان دارای نیازهای ویژه را در کلاس خود بپذیریم و با توجه به فراهم کردن شرایط مناسب برای حضور آنان زمینه یادگیری و ایجاد اعتماد بنفس را در آنها ایجاد کنیم تا خود را عضو اجتماع قلمداد کنند و همراه با همسالان در مدارس عادی آموزش یابند و امید به زندگی را از آنان نگیریم.

واژگان کلیدی: آموزش فراگیر، کودکان استثنایی، تاریخچه، نیازهای ویژه، آموزش ویژه.

مقدمه

آموزش فراگیر نمایانگر چالش و تغییر ی تاریخی درنگرش نسبت به نوع انسان است که با تکیه بر الگوی اجتماعی از تفاوت های فردی در بین دانش آموزان دفاع می کند. هدف از فراگیرسازی اطمینان حاصل کردن از این موضوع مهم است که تمام افراد از حقوق، فرصت ها و پذیرش برابر برخوردارند (میسون و رایزر، ۱۹۹۴). در تعریف آموزش فراگیر می توان گفت که: آموزش فراگیر بدین معناست که تمامی مدارس باید برای آموزش تمامی کودکان بدون توجه به وضعیت جسمانی، هوشی، عاطفی، زبانی و یا سایر ویژگیها متناسب سازی شوند و این سازگاری باید کودکان دارای ناتوانیهای ذهنی و تیز هوش، کودکان خیابانی و کودکان متعلق به مناطق دورافتاده، اقلیتهای زبانی، فرهنگی یا قومی و کودکان با سایر محرومیت ها را نیز شامل شود (یونسکو، ۲۰۰۱). بنا بر این در سال های اخیر، در نظام آموزش و پرورش ایران، تلاش هایی برای پیوستن دانش آموزان استثنایی یا دانش آموزان با نیاز های ویژه به کلاس های عادی، به منظور فراهم کردن فرصت های برابر، بدون توجه به متفاوت بودن آنان انجام شده است. در این مسیر، هدف های آموزش فراگیر تا حدی محقق و بنیان های مقدماتی جهت تغییر در نظام آموزشی پایه گذاری شده و چالش های نو پدیدار گشته است. متخصصان تعلیم و تربیت دریافته اند که شرایط کنونی نظام آموزشی پاسخ گوی نیاز های همه جانبه دانش آموزان با نیاز های ویژه نیست. آنها بر این باورند که عملیاتی ساختن شعار آموزش برای همه، فقط در یک نظام آموزشی فراگیر محقق می شود، چرا که هسته اصلی آموزش فراگیر فراهم کردن فرصت های برابر، توجه به حقوق انسانی یادگیرنده گان با توانایی های گوناگون و یکپارچه سازی آموزشی و اجتماعی آنان است (به پژوه، عاشوری، ۱۳۹۳). همان طور که گفته شد یکی از مؤلفه های چهارگانه آموزش یادگیری با هم زیستن است.

تکیه بر تفاوت های فردی باعث جداسازی کودکان در آموزش و یادگیری می شود ولی با تأکید بر تکالیف آموزشی و انعطاف پذیری آن دانش آموزان با نیازهای ویژه می توانند در کنار همسالان عادی خود به تحصیل ادامه دهند. در رویکرد آموزش فراگیر سعی شده شرایط و تسهیلاتی برای ایجاد فرصتهای برابر آموزشی و پرورشی و تقویت ارتباط اجتماعی مناسب دانش آموزان با نیازهای ویژه با همسالان عادی فراهم شود (استابس ۲۰۰۸). در این رویکرد دانش آموز با نیاز های ویژه در نزدیک ترین واحد های آموزشی عادی در محل زندگی پذیرفته می شود و با تشخیص و تأیید ادارات آموزش و پرورش استثنایی از خدمات آموزگار یا دبیر رابط بهره می برند (سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۹۲).

تاریخچه آموزش و پرورش استثنایی در جهان

ما همه دولت ها را فرا می خوانیم و به آنها قویا توصیه می کنیم که اصل آموزش فراگیر را به عنوان یک قانون یا سیاست اعمال نمایند (بیانیه سالامانکا کنفرانس جهانی آموزش نیاز های ویژه اسپانیا، ۱۹۴۴)؛ و آموزش حق تمام کودکان استو آموزش فراگیر قصد دارد تا از دستیابی تمامی کودکان به یک آموزش مناسب و مؤثر در جامعه خودشان اطمینان حاصل کنند. برای هر گونه بحث در رابطه با آموزش فراگیر لازم است که از بیانیه سالامانکا و چهار چوب عمل آن به عنوان نقطه عطف استفاده شود (یونسکو، ۱۹۹۴). این بیانیه بار دیگر حق آموزش را برای تمام افراد تصدیق و تأیید می کند و این حقوق همانگونه که در بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۵ آمده بود. دوباره توسط مجمع جهانی در سال ۱۹۹۰ در مورد آموزش همگانی تکرار شد (نو ظهوری ۱۳۸۸).

یکی از الزامات آموزش فراگیر تعهدات و توافقات بین المللی است. در سال ۱۹۹۰ جلسه ای در تایلند با عنوان «آموزش برای همه» با حضور نمایندگان نظام آموزش و پرورش ۱۵۵ کشور و با همکاری چند سازمان بین المللی برگزار شد. هدف این جلسه در ده بند، برآوردن نیاز های اساسی یادگیری، شکل گیری بینش گسترده نسبت به آموزش همگانی، ترویج برابری بهره مندی از آموزش و غیره عنوان شد. در سال ۱۹۹۴ با حضور نماینده گان نظام آموزش و پرورش و ۲۵ سازمان بین المللی در کنفرانس جهانی آموزش در اسپانیا با موضوع «آموزش افراد دارای نیاز های ویژه» چهار چوب آموزش و ایجاد فرصت های آموزشی برابر برای دانش آموزان استثنایی و حق دسترسی آنان به مدارس عادی مورد توافق قرار گرفت. در سال ۲۰۰۰ وزرای آموزش و پرورش جهان در جلسه ای در سنگال بر افزایش پیشینه سطح پوششی تحصیلی و برخورداری همه کودکان از آموزش عمومی و یادگیری مهارت های زندگی توافق شد و کشور ها متعهد شدند زمینه اجرای همه مفاد تعهد توافق نامه را تا سال ۲۰۱۵ فراهم کنند (یونسکو، ۲۰۰۰).

تاریخچه آموزش و پرورش در ایران

این رویکرد در کشور ما از اوایل دهه ۸۰ در دو مرحله به اجرا درآمد. مرحله نخست به صورت آزمایشی بین سالهای ۸۳ - ۸۰ در دو استان و مرحله دوم به صورت آزمایشی بین سال های ۸۹ - ۸۶ در هفت استان اجرا شد. سپس بر اساس نتایج ارزشیابی به دست آمده طی این دو مرحله، شورای عالی آموزش پرورش در سال ۱۳۹۰ اجرای قطعی این رویکرد را تصویب کرد قدمی، ۱۳۹۳ و بر این اساس شیوه نامه اجرای آن به سراسر کشور ارسال شد و از لحاظ قانونی ادارات کل آموزش و پرورش ملزم به اجرای آن شدند.

مطالعات آموزش فراگیر

آموزش تلفیقی بعنوان پیش درآمد آموزش فراگیر، اولین بار در کشورهای اسکاندينايي مطرح و بعدها در آمريکا و اروپا اشاعه يافت. متخصصان در مورد آموزش های فراگیر دو دوره ٔ زمانی مطرح می کنند دوره اول مربوط به مطالعاتی است که در مورد بازدهی این نوع آموزش ها صورت گرفته که شامل پژوهش بین سال های ۱۹۵۰ الی ۱۹۸۰ می باشند (کالبرگ، ۱۹۸۰). بر طبق این پژوهش ها راه حل های خدمات عرضه شده به دانش آموزان معلول در دهه های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ بویژه فکر کلاس های جداگانه به صورت روزافزون مورد تردید قرار گرفت. لویددان در سال ۱۹۶۸ تاسیس کلاس های جداگانه برای پاسخ گویی به نیاز های دانش آموزان عقب مانده را راه حلی ضعیف بیان کرد و معتقد بود برچسب زدن و تصورات قالبی در باره کودکان تقریباً پیامد اجتناب نا پذیر قرار دادن دانش آموزان معلول در کلاس های ویژه است. یکی از قانون هایی که در سال ۱۹۷۵ با عنوان آموزش و پرورش برای همه ٔ کودکان از تصویب مجلس آمریکا گذشت مفاهیم محیط دارای حداقل محدودیت و عادی سازی را قوت بخشید، مواردی چون آموزش و پرورش رایگان معلولان، برنامه آموزش فردی برای معلولان، آموزش تلفیقی دانش آموزان معلول و غیر معلول و کسب اجازه از اولیا برای اقدام به آموزش کودکان استثنایی را شامل می شد (نوظهوری، ۱۳۸۸).

در این دوره جنبش ضد برچسب زدن به منظور ترس از برچسب گذاری کودکان نیز شکل گرفت. طرف داران این جنبش معتقد بودند که برچسب گذاری های نا مناسب روی معلولان محدودیت هایی در رفتارشان برای کشف محیط و شرکت در فعالیت های مختلف بوجود می آورد (هالاها، دانیل پی و کافمن، جیمز، ۱۳۷۵).

پژوهش های فاستر و دیگران ۱۹۷۵ نشان می دهد که اغلب مردم مایلند فرد نامگذاری شده را با فردی که برچسبی رویش گذارده نشده است صورتی متفاوت بنگرند.

دوره دوم مربوط به مطالعات ۱۹۸۰ به بعد است که طرفداران برنامه ٔ جایگزینی به نکات اخلاقی این نوع آموزش اشاره کرده و از طریق نوشتن کتاب و مقالات متعدد سعی کردند به توافق کلی برسند. لازم به ذکر است مطالعات دوره دوم ویژه از سال ۱۹۹۰ به بعد علمی تر و قابل تعمیم تر بود (هالاها، دانیل پی و کافمن، جیمز، ۱۳۷۵).

مزایای آموزش و پرورش فراگیر

- ۱- وجود الگوی مناسب رشدی مناسب برای دانش آموزان با نیاز های ویژه
- ۲- امکان مقایسه عملکرد دانش آموزان با ناتوانی با الگوی رشدی مناسب و جهت گیری به سوی ارتقای مهارت های متفاوت آنان از سوی معلم و امکان بهره گیری از توان بالقوه همسالان عادی برای آموزش و ارتقای مهارت ها در دانش آموزان.
- ۳- زمینه سازی پذیرش دانش آموزان با ناتوانی در متن جامعه، با تغییر نگرش و فرهنگ سازی در محیط مدرسه که در آینده به ایجاد جامعه فراگیر منتهی می شود و توسعه و ارتقای مهارت های معلمان و انعطاف پذیری عملکرد آنان در جهت تلاش به منظور رفع نیاز های ویژه ناشی از تفاوت های همه ٔ دانش آموزان (کاوال، فورنس، ۲۰۰۰).
- ۴- از بررسی های مربوط به آموزش فراگیر این برداشت می شود که اجرای این رویکرد و تهسیل شرایط موجود باعث می شود که نه تنها دانش آموزان با نیاز های ویژه عملکرد تحصیلی بهتری را تجربه کنند بلکه سازگاری اجتماعی بالا تری نیز داشته باشند (جکسون، ۲۰۰۸).
- ۵- امکان مقایسه عملکرد دانش آموز با ناتوانی با الگوی رشدی مناسب و جهت گیری به سوی ارتقای مهارت های متفاوت آنان از سوی معلم (عاشوری، آبکناری، ۱۳۹۲).
- ۶- زمینه سازی پذیرش بهتر دانش آموزان با ناتوانی در متن جامعه با تغییر نگرش و فرهنگ سازی در محیط مدرسه که در آینده به ایجاد جامعه فراگیر منتهی می شود (کاوال، فورنس، ۲۰۰۰).
- ۷- توسعه و ارتقای آگاهی مهارت و انعطاف پذیری عملکرد معلمان در جهت تلاش به منظور رفع نیاز های ویژه ناشی از تفاوت های تمامی دانش آموزان (کاوال، فورنس، ۲۰۰۰).
- ۸- آموزش فراگیر، نظام آموزشی انعطاف پذیر همه دانش آموزان می تواند یاد بگیرند تغییر در نظام آموزشی به منظور متناسب سازی با کودک و ارزش گذاری به تفاوت هاست (استابس، ۲۰۰۸).
- ۹= توجه به حقوق همه ٔ انسان ها در بهره گیری از امکانات جامعه و رویکردی که توانایی ها و نیاز ها ا به عنوان مقوله های طبیعی تلقی نموده و به جامعه فرصت پاسخ گویی می دهد. آن هم که به شیوه ای که منجر به رشد کل جامعه شده و به هر یک از اعضای آن اهمیت و ارزش می دهد (ساعی منش، ۱۳۸۸).

معایب آموزش و پرورش فراگیر

- ۱- فرایند فراگیر سازی احتمال نادیده گرفته شدن کودک دارای نیاز ویژه و تفاوت های فردی او و نیز عدم پذیرش کودکان معلول از طرف همسالان را در بر دارد. نوظهوری (۱۳۸۸): به نقل از تات، هوسپیان، (۱۳۷۱).
- ۲- افت یا از بین رفتن انگیزه؛ از آن جایی که انگیزه به عنوان نیروی محرکه رفتار انسانی است این احتمال هست که جایگزینی دانش آموزان در نظام آموزش عادی باعث کاهش انگیزه برای تلاش در آنها شده و منجر به محدودیت های تحصیلی می گردد و این خود باعث درماندگی آموخته شده در زمینه تحصیلی گردد و در اکثر موارد پیامد های مانند ترک تحصیلی و ... داشته باشد (نوظهوری، ۱۳۸۸).
- ۳- عدم پدید آیی توانای های بالقوه؛ برنامه آموزشی مناسب می تواند توانای های بالقوه فراگیران استثنایی را متناسب با محتوای آموزشی به فعلیت برساند. چنانچه سطح محتوای آموزشی برای دانش آموزان نا مناسب باشد، چنین حالتی در نهایت می تواند منجر به کسالت و بی علاقه گی نسبت به درس شود (تات، هوسپیان، ۱۳۷۹).
- ۴- بحث هزینه ها، وسایل کمکی و خدمات تکمیلی، تامین بودجه، سازماندهی نیروی انسانی مشکلات دیگری در جهت گسترش آموزش فرا گیر است (هوسپیان، آلیس، ۱۳۸۰).
- ۵- چگونگی کنار آمدن دانش آموزان دارای نیاز های ویژه، با همسالان و درک معنای خود و توانایی های خود نیازمند بهبود در خویشتن پنداری و ایجاد اعتماد به نفس و حمایت مستمر از طرف مربیان دارد که شاید از حوصله افاد خارج باشد (نوظهوری، ۱۳۸۸).
- ۶- نارسایی شیوه های رایج: واضح است که شیوه های تدریس و برنامه های رایج بشدت نارسا هستند، برای درک این موضوع کافی است نگاهی به نیازهای کودکان و نوجوانان آسیب پذیر که مستعد انزوا و طردشدگی هستند بیندازیم (میچل، ۲۰۰۸).
- ۷- معلمان، دانش و مهارت های مورد نیاز برای آموزش دانش آموزان با دامنه گسترده گی از نیاز های خاص را ندارند (لوییس، ۲۰۰۸).
- ۸- مشکل تامین و سازماندهی آموزش: دانش آموزانی که سابقه رویارویی با موانع آموزشی را داشته اند، در بیشتر مواقع فرصت ادامه تحصیل تا دوره دبیرستان را از دست می دهند. تمهیداتی که به منظور ادامه حمایت های لازم بعد از اتمام دوره ابتدایی در نظر گرفته شده، به هیچ عنوان در خور نیاز های موجود آنان نیست (به پژوه، عاشوری، ۱۳۹۳).
- ۹- نوسان در اجرای آموزش فراگیر و سازماندهی فرهنگی ضعیف در جامعه و ضعف در کار کنان متعهد (به پژوه، عاشوری، ۱۳۹۳).

نتیجه گیری

آنچه از بررسی پژوهش های مربوط به آموزش فراگیر برداشت می شود این است که اجرای این رویکرد و تسهیل شرایط موجود باعث می شود نه تنها دانش آموزان با نیاز های ویژه عملکرد تحصیلی بهتری را تجربه کنند بلکه سازگاری اجتماعی بالاتری را نیز داشته باشند (جکسون). آموزش فراگیر در یک سخن فریادی است علیه بی تفاوتی نسبت به تفاوت ها. کودکان دارای نیاز های ویژه را باید به عنوان عضوی از اجتماع پذیرفت و فضای فیزیکی و آموزشی را برای آنان متناسب سازی کرد «فراگیر سازی با ارزش های آموزشی، پرورشی و اجتماعی و نیز به درک ما در مورد ارزش افراد مربوط است». چنانچه انجام این امر مستلزم ارائه دلایل منطقی؛ آسیب شناسی معایب و مزایای هم به والدین و هم به دست اندر کاران نظام آموزشی در خصوص انتخاب راه صحیح برای آموزش کودکان دارای نیاز های ویژه می باشد. اگر در جامعه در خصوص افراد دارای ناتوانی یا استثنای فرهنگ سازی نشود طرح فراگیر سازی نمی تواند به خوبی اجرا شود و با مشکل مواجه خواهد شد و نتیجه عکس می دهد اما اگر در مورد فراگیر سازی فرهنگ سازی شود و معلمان و دست اندر کاران آموزش برای آموزش فراگیر مهارت کافی را کسب کنند این امر به خوبی و با موفقیت انجام می شود.

ما باید دانش آموزان دارای نیاز های ویژه را در کلاس خود بپذیریم و با توجه به فراهم کردن شرایط مناسب برای حضور آنان زمینه یادگیری و ایجاد اعتماد بنفس را در آنها ایجاد کنیم تا خود را عضو اجتماع قلمداد کنند و همراه با همسالان در مدارس عادی آموزش یابند و امید به زندگی را از آنان نگیریم.

باید سعی شود که دیگر دانش آموزان عادی را متقاعد کرد که دانش آموزان دارای نیاز های ویژه را قبول داشته باشند و به آنها به عنوان یک دانش آموز همسال و عضوی از جامعه خود نگاه کنند. در غیر اینصورت به بچه های دارای ناتوانی برچسب می زنند و آنها را تحقیر می کنند و این باعث سرافکندگی و ضعف و ناراحتی در این دانش آموزان می شود که امری بسیار ناپسند و شکننده است.

منابع و مراجع

- [1] به پژوه، احمد، عاشوری، محمد (۱۳۹۳). دانش آموزان دارای نیاز های ویژه و آموزش فراگیر: نقش اولیا و معلمان
- [2] ساعی منش، صمد (۱۳۸۸). فلسفه و مبانی آموزش فراگیر.
- [3] عاشوری، محمد، جلیل آبکنار، سیده سمیه (۱۳۹۲). از عادی سازی تا آموزش فراگیر، تحولی در نظام آموزشی.
- [4] نوظهوری، رامین (۱۳۸۸). آسیب شناسی آموزش فراگیر در آموزش و پرورش.
- [5] کابینی، مقدم، سیاحی، علی، خلخالی، علی (۱۳۸۸). بررسی زمینه های توسعه آموزش فراگیر و موانع اجرایی آن.
- [6] ضیایی، سوسن (۱۳۸۲). زمینه های جهانی حرکت در راستای آموزش فراگیر. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، شماره های ۱۸ و ۱۹.
- [7] فرهید، مژگان (۱۳۸۲). توانبخشی مبتنی بر جامعه و آموزش و پرورش فراگیر. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.
- [8] هوسپیان، آلیس (۱۳۸۷). مقدمه ای بر آموزش تلفیقی. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.
- [9] غلامحسین زاده، حسن (۱۳۹۴). آموزش فراگیر: وضعیت موجود و مطلوب.
- [10] قدیمی،
مجید (۱۳۹۳). آموزش تلفیقی و فراگیر را مورد توجه جدی قرار دهیم. تعلیم و تربیت استثنایی.
- [11] هوسپی
ان، آلیس (۱۳۸۴). شواهدی از اجرای آموزش و پرورش تلفیقی از در سایر کشورها، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۸.
- [12] زارعی
زوارکی، اسماعیل (۱۳۹۴). رویکرد یادگیری تلفیقی برای آموزش دانش آموزان با نیاز های ویژه.
- [13] اسکندر
ی، حسین (۱۳۹۱). نظریه و عمل رسانه های آموزشی در عصر دیجیتال. تهران: سمت.
- [14] کاکا
جویباری، علی اصغر، هوسپیان، آلیس (۱۳۸۰). فلسفه آموزش و پرورش فراگیر.
- [15] سعیدی،
ابوالفضل (۱۳۸۱). جزوه دروره تکمیلی حقوق کودک، بخش سوم: پژوهشکده تعلیم و تربیت.